

خلاصه اجتماعی شدن و سه عامل اولیه اجتماعی

بحث از مفهوم اجتماعی شدن از نظر تئوری کنش متقابل سمبولیک (نمونه) صورت میگیرد.

در ادراک جریان انتقال فرهنگی، نقش اجتماعی و کنش متقابل همراه با عوامل مهم دیگر موضوع اصلی را تشکیل میدهد.

فرد از طریق ایفاء نقش خود با جامعه ارتباط برقرار میکند و ارزشهای نهادی شده ای را که متناسب با پایگاه اجتماعی و موقعیت اوست میپذیرد و براساس آن عمل میکند. نقش از طریق کنش متقابل با عوامل مهم دیگری که بعنوان سازمانهای اجتماعی کننده عمل میکنند معنی دار میشود.

سه عامل اولیه اجتماعی کننده را ذیلاً " بیان میداریم :

خانواده گروه همسالان و مدرسه، خانواده اولین عاملی است که نقش های جنسی سنی، و نقش خانوادگی را برای اعضاء جدید تعیین میکند.

مسئولیت آموزش افراد که بعدها ممکن است گروه اولیه و مدرسه در ایفاء آن با خانواده شریک شوند یا آنرا بخود انتقال دهند وابسته به اینست که در جامعه چنین سازمانهایی موجود و از اهمیت لازم برخوردار باشد.

گروه همسالان از نظر این تئوری گروهی است که باعضای خود فرصتهایی برای خلق و ایفاء نقش ها میدهد و باین تربیت رفتارهای نوآوری چون رهبری در گروههای همسالان بیش از خانواده امکان بروز مییابد. این واقعیت مربوط میشود به تفاوت پایگاه اجتماعی سنی خانواده و تصور قبلی از نقشی که یک عضو جدید باید بازی کند.

معمولاً " در خانواده نقش سنی و جنسی تعیین کننده رهبری فرد است.

طرز تلقی مدرسه به گونه ای است که در عین ادامه دادن به تفاوت گذاری الگوهای سنی، فرصتهایی را که برای توسعه رابطه مناسبات گروه همسالان لازم است بوجود

آورد. اگرچه مدرسه بطور کلی بر اساس تسلط و اطاعت معلم و شاگرد عمل میکند بعضی مهارتهای اساسی را که برای مبانی فکری لازم است از قبیل ارزشهای جامعه به شاگرد یاد خواهد داد.

مدرسه ممکن است در عین اینکه معرف اجتماع سنتی است ابزاری بدست دهد که بوسیله آنها نوآوری امکان پذیر باشد.

هرچه جامعه پیچیده تر شود ممکن است موسسات اجتماعی ساز بسیار دیگری از قبیل ارتباط جمعی، گروه شفلی، رسمی و غیر رسمی و گروههای دیگر همسالان را بوجود آورده در جریان اجتماعی کردن قرار دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

مسئله اصلی جامعه آموختن فرهنگ به اعضاء خود یعنی انسانی کردن آنان است. در دوره پیش از تاریخ، فرهنگ بطور غیر رسمی از طریق سپنه به سپنه، افسانه ها- نیکه نسل به نسل نقل میشد و از طریق عرضه فنون از پدر به پسر انتقال می یافت. بهر حال فرهنگ خواه مکتوب باشد یا نه جریان فراگیری آن، یعنی جریانی که با عنوان اجتماعی شدن شناخته شده است، فرقی نخواهد کرد.

وقتی به جریان اجتماعی شدن توجه کنیم باید دو جنبه را از نظر دور نداریم هر چند که این دو جنبه در حقیقت از یکدیگر جدا نیستند عبارتند از انتقال فرهنگ واخذ آن که متضمن رفتار متقابل بین دست کم، دو نفر میباشد انتقال دهنده و دریافت کننده پیام عادی:

برای مطالعه جریان اجتماعی شدن روش های متفاوتی وجود دارد. یکی تئوری یادگیری که بر آن است تا از طریق مطالعه تقویت Reinforcement و شرطی ساختن "Conditioning" رفتار را به محرکها و واکنشهای اندازه گرفتنی تجزیه کند. (۱)

روش دوم، روانکاری است که با رشد شخصیت سروکار دارد و ابتدا فروید آنرا عنوان کرده است. او چهار چوب مفهومی را ارائه می دهد که بنظر خود او در شکل دادن به شخصیت اصلی بسیار مهم میباشد.

در این چهار چوب خانواده نقش اساسی دارد.

در این هر دو نظریه روش "خصوصیات زیستی پایه های یادگیری در انسان به شمار آمده است" (۲)

علاوه بر این در حالیکه رفتار متقابل در این روشها جای دارد: تاکید بیشتر بر فرد و رشد اوست تا نقش جامعه در رشد فرد.

روش سوم مطالعه فراگیری فرهنگ جامعه خود از طرف فرد Enculturation

1- Frederick Eiken , The Child and Society , N.Y. Random Hous, 1966,p. 41

2- Thomas Rhys Williams, Introduction to Socialization , St. Louis, C.V. Mosby Co., 1972 , p. 2.

میباشد که انسان شناسان فرهنگی آنرا بارها بکار برده اند .

در حالیکه بحث مربوط به فراگیری فرهنگ جامعه خویش از طرف فرد به درک بعضی از جنبه های اجتماعی شدن کمک میکند این مطالعات بیشتر ارزش توصیفی دارند و ارزش آنها از نظر تثویک و برای کمک به درک عمومی جریان اجتماعی شدن انسان محدود میباشد. (۱)

جامعه شناسان از این نظر که بیشتر از هر چیز به مطالعه روابط اجتماعی علاقه دارند، متمایلند تا به این مسئله از دیدگاه نظریه نقش اجتماعی توجه کنند. این نظریه را دانشمندی بنام ژرژ هربرت مید، گسترش داد و بعداً "چالرز - اچ - کولی و دبلیو - آی - توماس آنرا توسعه داده اند .

یکی از علل مهم علاقه جامعه شناسان به مساله نقش اجتماعی این است که بنابر تئوری نقش اجتماعی امر اجتماعی شدن از راه کنش متقابل فرد با کسانی که قضاوتشان (برای فرد اهمیت دارد) Significant others تحقق میابد و این اجتماعی شدن در تمام طول حیات شخصی ادامه دارد .

از نظر ژرژ هربرت مید، کودک نیز با گذشتن از مراحل مختلف رشد میابد، مرحله‌ای که به شیوه خویشتن نگری و جهان بینی طفل مربوط میشود .

مرحله اول "مرحله آمادگی" است که در آن کودک نمی تواند رفتار خود را درک کند و تنها از رفتار پیرامونیان خود تقلید می کند. در مرحله بعدی که هربرت - مید نام "مرحله بازی" Play stage به آن داده است، کودک کم کم متوجه میشود که سرانجام باید نقشهای مختلفی را بعهده بگیرد و به نشان دادن رفتاری از خود اقدام میکند که با آن نقش ها تطبیق کند .

مثلاً " در این مرحله کودک قادر است تا نقش پدر، پسر، یا پدر بزرگ را بازی کند بی آنکه واقعا " در یابد که نقش خود او در جامعه چیست .

در مرحله سوم (مرحله بازی گروهی) The game stage بچه قواعدی را میاموزد که توسط آنها باید در شرایط گوناگون نقش های گوناگونی را ایفا کند . کودک اینها را از رهگذر شیوه های ترکیبی میاموزد. اما این رشد اساسا به

1- Margaret Mead, "Socialization and Enculturation,"
Current Anthropologist, 1965, Vol. 4., p. 184-188 .

کنش واکنشهای دیگران نسبت به رفتار او بستگی دارد. (۱)

بنابراین او رفتار خود را از روی رفتار کسانی که به بازی گروهی مشغولند درک میکند و رفتار خود را با آنها تطبیق میدهد کسانی که قضاوتشان برای کودک اهمیت دارد بعداً "بصورت عموم یا جامعه نظام یافته درمیآیند Organized community این حالت به یکپارچگی شخصیت او کمک می‌کند و او را قادر میسازد تا در جامعه خود بکار پردازد. بعدها چارلز کولی، این فکر مبد، را در مفهوم "آینه خود" که خود او ارائه کرده بود وارد نمود. "آینه خود" اصلاً "باین معنی است که هر فرد خود را در آینه کسانی می‌بیند که قضاوتشان برای او مهم است. حالا اگر تصویر منعکس در این آینه، یعنی نظریه آن کسان دیگر درباره شخص، منفی باشد او نسبت به خود نظریه منفی پیدا خواهد کرد و نقشی که متناسب با این نظریه یا تصویر است بعهده میگیرد. کولی، همچنین اهمیت گروه اولیه به خصوص خانواده را در جریان اجتماعی شدن تأکید کرده و بدین ترتیب به اهمیت این واحد اجتماعی، یعنی خانواده در ساختن و پرداختن تصویری که شخص از خود دارد اشاره نموده است.

نظریه نقش Role theory و نظریه گروه مرجع Reference Group
توجیحات اخیر سرچشمه گرفته است. و اجتماعی شدن کودک در همین چهار چوب بررسی خواهد شد.

۲- تعریف اجتماعی شدن

"اجتماعی شدن" عبارتست از جریانی که طی آن انسان الگوهای فرهنگی جامعه یا گروه خود را میآموزد و آنها را به عنوان جزئی از نظام رفتاری خویش میپذیرد. انسان برای اینکه با افراد دیگر جامعه خود ارتباط برقرار کند و قادر باشد در آن جامعه بسر برد، باید ایفای نقشهای گوناگون اجتماع محل تولد خود یا اجتماع را که بعداً بدان ملحق خواهد شد فرا گیرد.

این جریان از طریق کنش متقابل با دیگران صورت میگیرد. کودک اگر پس از تولد در انزوا نگهداری شود هرگز نخواهد توانست مهارتها، طرزهای تلقی و خویشتن داریهائی را که لازمه ایفای نقش اجتماعی است بیاموزد و در همان سطح ابتدائی باقی خواهد ماند، یعنی صرفاً به رفع نیازهای زیستی خویش خواهد

پرداخت و بدون هیچ وسیله ارتباطی بسر خواهد برد .

لذا چنین فردی هرگز به پایگاه یک موجود اجتماعی نخواهد رسید .

دو مفهومی که به انگلیسی ذکر شده اند مربوط به جامعه میباشند .

جامعیکه برای نقشهای مختلف تعاریف و معانی مخصوص به خود تمهید کرده است .

میتوان گفت طفل نوزاد، اجتماعی نشده ترین موجود است زیرا نه چیزی از

اجتماع خود میداند نه نقش در آن میتواند اجرا کند با اینهمه فوراً پس از تولد با

اطرافیان خود رابطه برقرار میسازد .

نوزاد در مراحل اولیه طفولیت از طریق گریه و پاسخ والدین بگریه های او رفتار

متقابل با دیگران را آغاز میکند .

کودک شروع به تفسیر نوع کنش و واکنش دیگران میکند و رفتار خود را با آن

کنش و واکنشها تطبیق میدهد تا از سوی کسانی که قضاوتشان برای او مهم است واکنش

متقابل مناسبی دریافت دارد .

بتدریج از طریق کنش و واکنشی که دیگران نسبت برفتار او از خود نشان میدهد

کودک به آموختن مفهوم رفتار خود میپردازد و با این کار شرکت در فرهنگ خود را آغاز

میکند. (۱)

بنابراین نظریه نقش اجتماعی مشعر است بر اینکه کودک در یک جامعه پیش رونده

متولد شده که در آن سمبول های مشترک و الگوهای جا افتاده و پایگاههای شناخته شده

وجود دارد و کودک آگاهی درباره این عناصر را از طریق تعامل با دیگران بدست میآورد.

نقش به منزله پایی است بین جامعه و فرد ، زیرا وقتی که فرد میتواند نقش مناسبی را برای

وضعیت های گوناگون خود در جامعه ایفا کند ارزشهایی از جامعه را که وابسته آن موقعیت

است پذیرفته است و متناسب با انتظارات جامعه رفتار میکند .

لذا برای آنکه مرحله اخیر یعنی درونی شدن یا ملکه شدن ارزشهای اجتماعی

تحقق یابد کودک همانطور که هربرت مید اظهار داشته است از مراحل چند عبور میکند .

ما میدانیم که کودک قبل از اینکه کسانی را که قضاوتشان را درباره رفتار و اعمال

1- Joseph Bensusan and Bernard Rosenberg, "Socialization: Fitting Man to His Society", in Peter Rose, ed., *The Study of Society*, N.Y., Random House, p. 136.

2- Op. Cit., Elkin, p. 19.

خود مهم میدانند بشناسد، باید از نظر جسمانی مقداری رشد کرده باشد و از نظر رفتارهای اجتماعی مطالبی را آموخته باشد.

هر چند مراحل گوناگون نامبرده در مرحله‌های سنی معینی صورت میگیرد. کودک نقشهای اجتماعی خود را بسته به راهنمایی کسانی که قضاوتشان را درباره خود مهم میدانند در زمانهای متفاوتی از آن مرحله‌های سنی می‌آموزد. کسانی که طفل، قضاوتشان را درباره خود مهم میدانند دنیای طفل را تعریف میکنند و برای اوانگاره رفتار و طرزهای تلقی * (Attitude) قرار میگیرد. آنان میتوانند زمانی را که برای کودک لازم است تا عموم "Generalized othdrs" را تشخیص بدهد با بکار بردن نظام‌های ضمانت اجرائی کوتاه یا بلند کنند.

گاهی ضمانت اجرائی صورت پاداش و کیفر مستقیم یا آشکار یا تعالیم مشخص و معین بخود میگیرد و گاهی اوقات وسائلی که بکار برده میشود دقیق تر است. در صورتیکه کودک عادت داشته باشد پاداش مستقیمی برای رفتار خود دریافت کند پاسخ ندادن یا پاسخ ظاهرا "خنثی دادن بخودی خود ممکن است در ذهن او به منزله تنبیه تلقی شود.

انتخاب نوع کلمات در پاسخگوئی به کودک، طرز پاسخگوئی به سئوالات او، نشان دادن رفتار ارجح با انجام کارهای مشخص در برابر طفل، حرکات و وجنات چهره آهنگ صدا و رفتار متقابل با کودک به نحوی که مجبور شود طبق هنجارهای معین عمل کند، همه وی را به فراگیری نقش خود یاری میکند.

معمولا کسانی که طفل قضاوتشان را درباره خود مهم میدانند تنها از یک وسیله برای این منظور استفاده نمیکنند بلکه برای این کار از پاداش و مجازات هم استفاده میکنند.

از آنجائیکه جریان کنش و واکنش کسانی را که در رفاه کودک مؤثرند شامل میگردد تنبیه و پاداش همیشه مستقیم و آشکار نیست و گاه بی تفاوتی و سکوت نیز موجب کنش و واکنش‌هایی در طفل میشود.

اگر کودک به شخصی که قضاوتش برای او مهم است بستگی داشته باشد معمولا " سعی خواهد کرد که با ایفای نقشی که از او خواسته شده است آن شخص را از خود راضی

نگهدارد. وقتیکه طفل نقشها را بطور کامل فرا گرفته و پذیرفته باشد، "عموم" (Generalized others) قسمتی از نظام رفتاری کودک را تشکیل داده است دیگر ضمانت‌های اجرائی خارج از خود کودک لازم نیست و ایفای نقشی که برای موقعیت خاص او معین گردیده است بقدر کافی برای او خوشایند خواهد بود.

کودک در ضمن اجتماعی شدن می‌آموزد که درباره هر یک از نقش‌های اجتماعی تصمیمات اساسی بگیرد. تالکوت پارسونز این جنبه‌های دوگانه نقشها را پنج "متغیر شکل گرفته" نام داده است.

۱- کودک به دنبال ارضای فوری نیازهای خویش است و هر نوع احساسی را که دارد بیان میکند لکن پس از اجتماعی شدن واکنش متقابل دیگران را در نظر گرفته و قبل از ارضای نیازهای خود عواقب آن واکنش‌های متقابل را می‌سنجد.

۲- کودک پیش از آنکه اجتماعی شود جهت یاب داخلی (inner-directed) است و نقشهائی را که باید به عهده بگیرد از دیدگاه خود تعبیر و تفسیر میکند -self-orientation در حالیکه پس از اجتماعی شدن بیشتر جهت یاب از دیگران میشود و نقشهای خود را با معیارهای جمعی که جامعه او تعیین کرده است می‌سنجد -collective orientation.

۳- نخست کودک هر شیئی را از دریچه یک نظر کلی می‌سنجد و قضاوت میکند - (universalism) ولی بعداً "اشیاء را در رابطه با خویشتن می‌سنجد و چون رفتار متقابل فرد با دیگران باعث میشود که شخص شناسائی خاصی از رفتار خود حاصل کند قضاوتهای او بیشتر از تجربیات شخصی خود او رنگ می‌گیرد. (particularism)

۴- بر همین سیاق چون نقشهای خاصی دارای معنای خاصی نیستند و در عین حال چندان محدود کننده نیز نمی‌باشند کودک میتواند بدون احساس مسئولیتی از یک نقش به نقش دیگر بگراید (Diffuseness) معذالک پس از اجتماعی شدن، کودک می‌آموزد که بدست آوردن یک پایگاه خاص اجتماعی مستلزم مسئولیتهای بسیار است که او باید بعهده بگیرد.

۵- قبل از اجتماعی شدن، واکنشهای متقابل کودک نسبت به دیگران بر مبنای درک او از خصوصیات ذاتی آنان می‌باشد (Ascription) بطور مثال کودک در ابتدا نسبت به هر زنی عکس‌العمل خوشایند از خود نشان میدهد.

اما چون اجتماعی شدن اعمال کسی که قضاوتش برای او اهمیت دارد بر اساس نقش خاص خود قضاوت میکنند.

بدین ترتیب زن در نظر او نقش مادر را بعهدده میگیرد یعنی کسی که باید برای کودک کارهای خاص را انجام بدهد .

طفل کم کم یاد میگیرد که بین آنچه یک مادر برای فرزندش انجام میدهد و آنچه از زنهای دیگر میتواند متوقع باشد فرق بگذارد و براساس این فرق رفتار خود را با آنها تنظیم نماید . (Role Conflict) اما چنانچه نقسهائی که کودک باید ایفا کند کامل نباشند یا کاملا " مشخص و روشن نشده باشند ممکن است او را دچار آشفتگی نمایند . در اینصورت او امکان دارد یک نقش را خوب ایفا کند ولی برای نقشی دیگر رفتار دیگری از خود ابداع نماید . مثلا " اگر یک بچه ضمن اینکه فرزند خانواده است باید نقش نان آور را نیز ایفا کند ، ممکن است احساس کند که دو نقش او با هم تجانس و هماهنگی ندارند .

یا هرگاه طفل پی ببرد که به عنوان یک پسر یا دختر نیازمند مواظبت و نوازش و محبت میباشد ولی به او گفته شود باید نقش والدین را در برابر خواهر یا برادر کوچکتر خود ایفا کند .

ممکن است میان نقش های او تعارض بروز کند Role Conflict مگر آنکه از برای انجام نقش جدید خود بخوبی اجتماعی شده باشد .

۳- عوامل اجتماعی کردن کودک

الف - خانواده

بطوریکه جرج کولی تاکید ورزیده است ، خانواده که یک گروه نخستین است اولین گروه اجتماعی مهم در رشد آتی کودک میباشد . در جوامعی که کمترین نوع یافته اند هنوز خصوصیات *Gemeinschaft* یا عامیانه هستند و خانواده و اجتماع نسبتا از جامعه پیچیده بزرگتر جدا میباشد ، در طول حیات کودک خانواده موثرترین نقش را در اجتماعی کردن او بعهدده دارد . اما حتی در جوامع پیچیده نیز خانواده اولین واحد اجتماعی است که کودک تا مدتی با آن تماس مداوم دارد .

از آنجا که ارضا میل گرسنگی او ، و حیات او وابسته با این واحد اجتماعی است

۱- برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به کتاب (Toennies) دانشمند آلمانی

متحمل است که طرزهای تلقی و عقاید موجود در محیط خانواده خود را بپذیرد و از والدین خود تقلید کند. پدر و مادر در برابر کودک قدرت کامل دارند و رفتار کودک بطور نا محدود در زیر تسلط آنان قرار دارد.

پدر یا مادر در برابر کودک دارای قدرت کامل میباشد و بنابراین رفتار کودک بطور نا محدود در زیر تسلط آنان قرار دارد!

خانواده خرده فرهنگی مختص به خود دارد که همه واقیعت‌ها را بر مبنای داوری خویش تعبیر میکند.

بنابراین کودک می‌آموزد که جامعه را از دیدگاه خانواده اش بنگرد و خانواده به او می‌آموزد که در رابطه با نقش جنسی و سنی خود و همچنین پایگاه اجتماعی خانواده خویش چه رفتاری باید داشته باشد. این امر قبل از آن صورت می‌گیرد که کودک نقش خود را در جامعه بزرگتر بشناسد و فرا گیرد.

۱- نقش جنسی ، سنی و خانوادگی

کودک به موازات آموختن نقش‌های سنی خود باید نقش‌های جنسی خود را هم ، ابتدا در محیط خانواده سپس در جامعه یادگیرد فرق گذاشتن در میان نقش‌های جنسی در خانواده نمونه‌ایست از فرق گذاشتن در بسیاری از نظام‌های رفتارهای متقابل یعنی فرق گذاری " Instrumental " در مقابل " Expressive " ^۳

فرضیه پارسونز " Parsons " مبنی بر اینکه نقش و رهبری برای کارها معمولاً به مردان و نقش رهبری در مسائل و امور عاطفی معمولاً " بزنان واگذار میشود ، در ۶۵ جامعه گوناگون مورد آزمایش قرار گرفت. ^۴ و در تمام آنها بجز جامعه " Nagar " که در آن

Robert Redfield

۱- برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به مقاله

2- Op. Cit., Bensman and Rosenberg, P.137.

3- Talcott Parsons, "The American Family" , Talcott Parsons and Robert Bales, ed., Family, Socialization and , the Interaction Process, Glencoe, Ill., The Free Press , 1955.

4- Morris Zelditch, "Role Differentiation in the Nuclear Family, A Comparative Study, " in Talcott Parsons and , Robert Bales, ed., Family, Socialization and the Interaction Process, Glencoe, Ill., The Free Press, 1955.

خانواده هسته ای کامل وجود ندارد، تایید شد.

درعین حال که این امر کلی و جهانگیر نیست تمایلی را برای رهبری طفل بسوی یک هدف یا هدف دیگر نشان میدهد. ممکن است به یک پسر اسباب بازی های شبیه آنچه در شغل خارج از خانواده خواهد یافت داده شود یا ممکن است به وی گفته شود که باید قوی باشد و یاد بگیرد چگونه از مادر و خواهران خود مواظبت کند.

از سوی دیگر ممکن است به دختر فهمانده شود که بعنوان یک زن در یک پارچه کردن افراد خانواده، رفع اختلاف آنها، و اداره خانه و امثال آن اهمیت دارد، به او ممکن است عروسک یا وسیله آشپزی برای بازی داده شود.

در برخی از جوامع ممکن است نیروی نقشهای " Expressive - Instrumental" در داخل خانواده برابر باشند در صورتیکه در برخی جوامع دیگر این برابری وجود ندارد.

در بسیاری از جوامع به پسر آموخته میشود که نقش برتر و حاکم را ایفا کند در حالیکه نقشی که به زن آموخته میشود نقش فرمانبرداری است، به پسر ممکن است اجازه داده شود که خواهر خود را سرزنش کند یا هر کاری که دلش میخواهد نسبت با و انجام دهد. در حالیکه دختر باید از قواعد سختی اطاعت کند.

پسر اغلب تحسین میشود و دختران مورد بی اعتنائی قرار میگیرند، باید خاطرنشان ساخت که تعریف نقشهای جنسی شاید بیش از نقشهای سنی از نظام خانوادگی فراتر رفته و اعتقادات و ارزشهای جامعه بزرگتر را منعکس میسازد. نقشهای سنی در داخل خانواده معمولاً " به پیدایش روابط مبتنی بر قدرت کمک می نماید. این موضوع که کودک در هر حال جوانتر از پدر و مادر یا مسن تر و یا کوچکتر از خواهر و برادرش میباشد باعث می گردد که او کم بین مقام بالاتر و پائین تر فرق بگذارد و تفاوت بین آنها را در یابد. اگر او نخستین کودک خانواده باشد ممکن است لازم باشد بر حسب مسئولیتی که نسبت به برادران و خواهران کوچکتر خود دارد نقش متفاوتی را ایفا کند.

اگر طفل اولین کودک باشد باید رسم خواهر یا برادر بودن را بیاموزد، بنابراین همزمان با نقش دختر یا پسر بودن نقش دیگر یعنی خواهر یا برادر بودن هم بعهدده او واگذار میشود. غالباً " برای کودک اول پذیرفتن نقشی که با تولد کودک دوم بعهدده او میافتد مشکل است و روشی که پدر و مادر برای آشنا ساختن کودک اول با موقعیت جدید او پیش میگیرند در شکل دادن به واکنش های متقابل آینده او نسبت به تازه وارد بسه خانواده یا گروههایی که او عضوش خواهد بود موثر و مهم می باشد، چنانچه کودک به

رفتار متقابل با برادر و خواهر خود عادت نکرده باشد ممکن است تصور کند محبت کسانی را که قضاوتشان را درباره خود مهم می‌دانند و از لحاظ عاطفی با آنان وابسته است، از دست بدهد او تا بحال یکی یکدانه بوده و فکر میکند که رفتار پدر و مادرش با خواهر یا برادر تازه وارد عیناً همان خواهد بود که با او داشته اند. والدین نیز باید همزمان رفتار خود را تعدیل نمایند و ایفای نقش والدینی را که دارای دو فرزند هستند فراگیرند اگر هر دوی والدین برای نقش تازه خود آماده نشده باشند هراس طفل جامه عمل خواهد پوشید و ممکن است نقشی را برای خود بیافریند که با مقام برادر و یا خواهر مناسب نباشد.

مثلاً " ممکن است سعی کند بنوزاد صدمه برساند یا به منظور جلب توجه والدین با آنان بستیزه جوئی برخیزد.

لذا نقش خود او که در مقام کودک است مغشوش گردد و تعارض پدید آید. معمولاً این نقش رفتاری غیر عادی با نحوه رفتار متقابل پدر و مادر با فرزند خود ارتباط دارد. در اینجا ما تنها یک نوع از تعارض نقشها یا ایفای نقش را به عنوان مثال ذکر کرده ایم اما تعارض نقش در هر زمانی که کودک بیشتر از یک نقش را همزمان باید بعهده بگیرد و آن نقشها بخوبی تعریف و شناخته نشده باشند می‌تواند بوجود آید. بنابراین رفتار کودک را نمیتوان جدا و بدون توجه به رفتار اعضاء خانواده او در نظر گرفت اگر کودکی از خود رفتار غیر عادی یا غیر اجتماعی نشان میدهد ریشه‌های آن بخوبی ممکن است در جریان رفتار متقابل بین افراد خانواده او باشد.

۲- نقش‌های اجتماعی

همچنانکه کودک رشد می‌نماید نقشهای بیشتری بعهده می‌گیرد.

نقشهایی که ممکن است بطور مشخص تر و بارز تری به مقام تعیین شده خانواده او در اجتماع مربوط باشد مثلاً " اگر والدین در یک جامعه اسلامی زندگی میکنند بکودک نقشهایی که باید در مقام یک مسلمان ایفا کند آموخته خواهد شد از قبیل نماز گزاردن روزه گرفتن، چادر بسر کردن و رفتار متناسب با شئون زنان و جز آن. اگر کودک در خانواده ای با ملیت و نژاد خاص بدنیا بیاید خصوصیات فرهنگی آن را فرا خواهد گرفت ولی در عین حال یاد خواهد گرفت که چگونه عضو جامعه بزرگتری که پدر و مادرش در آن بسر می‌برند باشند.

اغلب نقشهای خانوادگی تعهدات بیشتری را در بر دارد تا نقشهای اجتماعی.

بطور مثال نقش دختر ممکن است به عنوان کسی تعریف شود که در کارهای روزانه خانه به مادر یاری می‌دهد، از کودک کوچکتر مواظبت میکند و در تأمین معاش خانواده سهیم است در ایران نقش یک طفل آنستکه به مدرسه برود خواندن و نوشتن فرا گیرد و از آنچه در جامعه روی می‌دهد آگاهی یابد .

حال اگر نقشی که دختر در چنان خانواده‌ای بعهده دارد از سایر نقشها مهمتر باشد نقشهای دیگر او کنار گذارده میشود .

اگر نقش پسری این باشد که در نگهداری خانه به پدر کمک کند و از او خواسته شود که در یک طرح عمرانی جامعه نیز شرکت کند امکان دارد نقش خود را در مقام عضوی از جامعه کنار گذارد از سوی دیگر چنانچه نقشهای جامعه مهمتر باشند پسر ممکن است از تعهدات خود در برابر خانواده سر باز زند این حقیقت که نقشهای فرد در خانواده متعدد است و بارشد کودک فراوانتر نیز میشود نتیجه اثر آنست که کودک باید انعطاف پذیری را بیاموزد و بتواند خود را با موقعیت های جدید تطبیق دهد .

بنابراین خانواده ای موفق خواهد بود که به عضو خود اجازه دهد در نقشهایی که باید ایفا کند مبدع و مبتکر باشد .

۴- سایر نهادهای اجتماعی کننده :

الف- گروه همسالان

در جوامعی که در سیر تکامل خود در پایان مرحله جامعه سنتی و ساده " Gemeinschaft " هستند امکان گسترش سایر عوامل اجتماعی کننده که بیرون از قلمرو خانواده هستند محدود است .

معدالک در سیرکمال بسوی یک جامعه پیچیده تر بسیاری از ساخت های اجتماعی گسترش می یابند که امکان دارد برخی از وظائف اجتماعی کننده خانواده را بعهده گیرد . مثلا اگر کودک تا حدی از آزادی خارج از خانواده بهره مند باشد ممکن است با گروه (همسالان) " Peer Group " که از افراد هم سن و سال تشکیل یافته اند رابطه برقرار سازد . این رابطه ممکن است اولین برخورد و تجربه کودک از لحاظ مناسبات مبتنی برابری باشد و برای او فرصتی پیش آورد تا نقشی را که پیرامون علائق شخصی اش تمرکز یافته است انجام دهد در حالیکه اعضای خانواده خود درباره نقشهاییکه کودک باید بعهده بگیرد قبلا " در ذهن خود عقایدی ساخته اند و آن نقشها را بر طبق همین عقاید معین میکنند گروه همسالان به کودک فرصت میدهد تا جهت موقعیت خاص خود در گروه نقشهایی

ابداع کنند. گاهی این فرصت برای رفتار ابداعی منجر به ایجاد نظام هنجاری برای گروه میشود که معایر با نظام هنجاری جامعه ای بزرگتر است که میتواند واجد جنبه های مثبت هردو باشد لکن نظام هنجاری میتواند با جامعه بزرگتر نیز سازگار باشد .
سنخ شناسی مرتون^۱ از رفتارهای نابهنجارگویای راهها و روشهایی است که گروه میتواند اتخاذ کند.^۲

درحالیکه در خانواده نقش جنسی کودک ممکن است نقش رهبری خاص او را تعیین کند. درگروه همسالان کودک میتواند فرصت یابد که یکی از دو نقش رهبری عاطفی یا رهبر برانجام کار یا هر دو نقش را ایفا کند .

نقش هائی که کودک میتواند در گروه همسالان ایفا کند گاه با نقش هائی که قبلاً " آموخته است مغایرت دارد ، و ممکن است انتقال این نقش های تازه را به محیط خانواده آغاز کند ، عضو گروه ابتدائی دیگر بودن ، بانجام نیازهای عاطفی کودک کمک میکند بطوریکه انحراف او را از نقش های تعیین شده خانواده میتوان جایز دانست .

بنابراین گروه همسالان از رهگذر وجود کسانی که عهد بسته اند با هر عضو گروه از برای رسیدن بیک هدف فرعی^۳ همکاری کنند جنبه های محافظه کارانه ای دارد . وقتی گروه همسالان بانجام نیازهای عاطفی کودک کمک کرده پایگاه عاطفی خانواده رادر ذهن کودک سست میکند . و در برابر سنت های رایج جامعه که اغلب والدین مظهر آنها هستند ، باو استقلال فکر^۴ می بخشد . هر چند سازمان گروه همسالان در ابتدا کمتر از خانواده شکل گرفته است میتواند سازمان خود را گسترش دهند ، لکن سازمان آنها خواه شکل یک چرخ را بخود بگیرد خواه شکل یک هرم را (بهر شکلی که باشد) میتواند با قدرت وابسته بهم افراد عضو قطعیت یابد .

۱- منظور مرتون از آنومی وضعی است که در جامعه معادل و متناسب بین هدفها و وسائل شروع آنها وجود نداشته باشد (مترجم) .

2- Robert Merton, Social Theory and Social Structure, Glencoe, Free Press, 1971, Part II, Chapter 4.

3- Jesse Pitts, "The Family and Peer Groups", Norman W. Bell and Ezra F. Vogel, The Family, N.Y., Free Press, 1968., P. 198-230.

4- M. S. Olmsted, The Small Group, N.Y., Random House, 1959, P. 49.

معمولا" هنجارهای گروه و رسم پاداش دادن و مجازات کردن اعضا گسترش می یابد گاه گروه همسالان بگونه نظام نسبتا" سستی باقی میماند، اما در مواقع دیگر در معین کردن رفتار و طرزهای تلقی کودک اقتدار خانواده را واقعا" در معرض تهدید قرار میدهد. در اجتماعی که بسرعت تغییر میپذیرد شاید والدین همیشه دانش، توانائی یا انعطاف پذیری لازم را جهت اجتماعی کردن کودک برای شرکت او در طرزهای تلقی جاری جامعه نداشته باشد^۱ از این نظر که اعضای گروه همسالان از خانواده هائی با الگوهای اجتماعی کننده مختلف گرد هم آمده اند و از آنجائیکه گروه جهت جستجوی طرزهای تلقی تازه به اعضای خود آزادی عمل میدهد این گروه ممکن است بتواند وظیفه آموزش افکار تازه را به کودک انجام دهد در حالیکه خانواده این توانائی را ندارد.

گروه همسالان علاوه بر دادن طرز تفکر نو و مستقل به اعضای خود موقعیتی نیز جهت یادگیری مفهوم رفاقت و همکاری در اختیار کودک میگذارد. چون وضع کودک در گروه غالبا" انطور نیست که ممکن است در خانواده باشد یعنی بر اساس قدرت جسمانی نیست، نه فرمانده است و نه فرمانبر باید بیاموزد که چگونه خود را با طرزهای تلقی و ارزشهای همسالانی که با او برابرند تطبیق دهد و نقش همکاری را ایفا کند هرگاه در جامعه ای گروه های همسالان نباشد اطفال و نوجوانان ممکن است هرگز تجربه به همکاری و رفاقت آزادانه با دیگران را در اجتماع بدست نیاورند.

چنانچه در پیش گذشت نفوذ سایر عوامل اجتماعی کننده به پیچیدگی جامعه مربوط است. در جوامع بالنسبه ساده افراد ناچارند نقشهای تازه ای از قبیل نقش همسر پدر، مادر، پدر بزرگ، مادر بزرگ، و نقشهای حرفه ای گوناگون را نخست بعنوان نوآموز و بعدا" بعنوان معلم فراگیرند. لکن نقشها محدود خواهد بود و با احتمال قوی از رهگذر خانواده هسته ای یا گسترده، گروه همسالان یاد بعضی موارد جامعه مشترک معین میشوند. هنگامیکه جامعه گردآوری اطلاعات وسیع را آغاز میکند والدین نمیتواند مهارت هائی را که تصور میشود اولاد آنها نیاز دارند بآنها انتقال دهند تا بطرز شایسته ای در جامعه شرکت جویند مدارس گسترش مییابند.

بنا بر عقیده و ینیج^۲ برای استقرار یک نظام آموزشی رسمی شرایط زیر لازم است.

1- Op. Cit., P. 147.

2- Robert Winch, The Modern Family, N.Y., Holt, Rinehart and Winston, 1963.

- ۱- حجم فرهنگی که باید به نسل بعد منتقل گردد زیاد شود .
- ۲- محصول اضافی جهت کمک به معلمان حرفه ای بحد کافی باشد .
- ۳- سازمان مشاغل مرکب باشد .
- ۴- مشاغل و حرفه ها موروثی نباشند .

مدرسه عوامل اضافی اجتماعی کننده را تامین میکند آنگاه کودک علاوه بر فراگیری مهارت‌های پایه که احساس استقلال و تفکر مجرد را بر می‌انگیزد ، ارزشهای جامعه بزرگتر را نیز فرا خواهد گرفت . بنابراین درحالیکه مدرسه عاملی است که از یک سو مظهر جامعه سنتی میباشد از سوی دیگر نیز ابزاری را که بوسیله آنها نوآوری صورت میپذیرد فراهم میکند ، لکن درجه نوآوری اندیشه به نوع ساخت اقتدار و روش انتقال اطلاعات بستگی دارد .

در مدارس سنتی رابطه تسلط- تسلیم بین معلم و شاگرد برقرار خواهد ماند . از این رو نقش شاگرد فقط فرا گرفتن چیزهایی ، نیست که به ذهن وی منتقل میشوند بلکه باید اقتدار معلم را هم حرمت گذارد فیلسوفان یونان باستان که شاگرد را در اندیشیدن درباره هر مسئله راهنمایی میکردند شاید پیشرو فرهنگ مترقی بوده‌اند . در شیوه‌های پیشرفته آموزش و پرورش رابطه حاکم و محکوم بین معلم و شاگرد را کمتر میتوان مشاهده نمود زیرا در شیوه‌های مذکور تاکید بر گسترش شخصیت کامل کودک است .

همچنین در آموزش دانشگاهی در بخش‌هایی از جهان این تمایل هست که هر چه بیشتر دانشجویان در امر آموزش شرکت کنند و نقش‌های معین حاکم و محکوم موجود بین استاد و شاگرد از بین برود . باری تا وقتیکه آموزش عمومی از نظام مکتب مذهبی سرچشمه میگرد این احتمال هست که شاگردان نظریه سنتی را نسبت به نقش‌های معین - معلم - شاگرد ادامه دهد . در عین حال مدرسه فرصتی را برای تامین ساخت قدرتها که بر اساس تساوی پایه گذاری شده باشد بدست میدهد زیرا گروه‌های شاگردان معمولاً " بر اساس هم سنی شکل میگیرند . معذالک در مدرسه بعلت وجود درجه بندی بر اساس موفقیت‌های درستی تا حدی رقابت بین شاگردان بوجود میاید بطوریکه صرفاً " بستگی و روابط عاطفی نمیتواند آنطوریکه در گروه همسالان بوجود میاید در کلاس درس نیز پیدا شود . گروه همسالان نیز ممکن است در خارج از کلاس درس تشکیل شود و همان شکلی را بخود بگیرد که قبلاً " درباره آن بحث شد .

در جوامع مسلمان روابط همسالان محدود به گروه‌های سنی نیست بلکه گروه‌های جنسی را نیز در بر میگیرد و این امر حتی پس از ورود کودک بمحیط مدرسه ادامه دارد .

در یک جامعه مسلمان (ایران) مدارس دخترانه و پسرانه تا قبل از دانشگاه همچنان جدا از هم مانده اند در نتیجه بعداً "دختران و پسران جوان که در معاشرت آمیزش با یکدیگر بی تجربه یا کم تجربه هستند محیط تحصیلی و اوضاع و احوال اجتماعی آنان یکی خواهد شد و هر دو در یک محیط گرد خواهند آمد در نتیجه دختران و پسرانی که در معاشرت و آمیزش با جنس مخالف خود تجربه زیادی نیندوخته و یا اصلاً فاقد آن هستند بعداً در موقعیت اجتماعی یا تحصیلی با هم روبرو خواهند شد حال این خود مسئله جالبی برای مطالعه و تحقیق میتواند باشد که آیا در بین چنین جوانانی (دختر و پسر) با کمبود یا فقدان تجربه ایکه گفته شد اصلاً "گروه همگنان (متشکل از دو جنس) تشکیل خواهد شد یا نه .

مدرسه همچنین ممکن است محیطی برای آنچه که رابرت مرتون اجتماعی شدن مورد انتظار " Anticipatory Socialization ^۱ " نامیده بوجود آورد . چون در مدارس کلاسهای اساس پیشرفت در امور درسی مثل کلاسهای اول و دوم و سوم طبقه بندی شده اند شاگردانی در کلاسهای پائین تر دائماً در حال آماده ساختن خود برای بعهدده گرفتن نقشی هستند که در کلاسهای بالاتر از آنها توقع می رود احتمالاً " بعضی از شاگردان در کلاسهای پائین تر شاگردان کلاسهای بالاتر را بعنوان گروه مرجع مدل رفتار خود قرار میدهند .

این کار ممکن است زمینه را برای اخذ و کسب میل شاگرد به کسب موقعیت یا مقامهای بالاتر آماده سازد .

شاید تحقیق در این مورد جالب باشد که اجتماعی شدن مورد انتظار در کشور و به رشدی چون ایران واقعا تا چه حد وجود دارد و این امر پس از فراغ از تحصیل چه اثری در انتقال فرد از یک طبقه اقتصادی به طبقه دیگر دارد . بطور کلی طول سالهای مدرسه و آن قسمت از وظائف خانواده که بعهدده مدرسه محول میشود از جمله عواملی هستند که در میزان اجتماعی کردن کودک نفوذ دارند .

1- Robert Merton and Alice Kitt Rossi, "Contributions to, the Theory of Reference Group Behavior", in Herbert Hyman and E. Singer, eds., Readings in Reference Group Theory, N.Y., The Free Press,

هـ - نتایج

هر چند دوران کودکی دورانی است که در آن تاکید در امر اجتماعی شدن یحد اکثر میرسد، لکن آشکار است که کنش و واکنش در مقابل کسانیکه قضاوتشان برای فرد اهمیت دارد " Significant Others " همچنان ادامه مییابد و فراگیری نقشهای جدید فعالیتی مادام العمر است (۱)

در اینجاست که محدودی از نقشها و مختصری از عوامل اجتماعی کننده مورد بحث قرار گرفته اند.

وسائل ارتباط جمعی به موازات پیچیده تر شدن جامعه، در امر اجتماعی شدن کودک اثر میکند و همچنانکه کودک بزرگ میشود گروه شغلی او اعم از رسمی و غیر رسمی مانند گروههای همسالان تازه اش در کمک به جریان اجتماعی شدن وی همچنان ادامه میدهند.

اگر در خلال مراحل اولیه رشد کودک حد، معینی از آزادی به وی داده شود و خانواده نیز بعضی از نقشهایی را که او باید در خارج از خانواده اجرا نماید بپذیرد در آن صورت کودک برای ایفای نقشهای گوناگون موجود در جامعه پیچیده بنحو بهتری آماده خواهد شد. بسیاری از نکات بحث شده در این جا هنوز بصورت فرضیه باقی مانده اند که برخی از آنها از طریق پژوهشهای آتی در بوطه آزمایش قرار گیرند در کشور ایران فرصت خوبی برای این تحقیق تجربی بدست میدهد که ایران دارای فرهنگهای گوناگون میباشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Glossary of Terms	اجتماعی شدن و سه عامل اولیه اجتماعی
Anticipatory Socialization	اجتماعی شدن مورد انتظار
Ascribed Status	پایگاه محقق
Attitude	طرز تلقی
Communal Society	جوامع ساده
Conditioning	شرطی ساختن
Enculturation	فراگیری فرهنگ جامعه خود از طرف فرد
Expressive Leader	رهبر در مسائل و امور عاطفی
Game Stage	مرحله بازی دسته جمعی (گروهی)
Gemeinschaft	در جوامع ساده که هنوز دارای خصوصیات عامیانه هستند
Generalized Others	عموم (عمومی شدن)
Inner-directed	جهت یابی درونی (واقعی)
Inner-directed person	شخصی جهت یا باز درون
Instrumental Leader	رهبر برانجام کار
Looking Glass Self	آینه خود
Organized Community	مرحله عموم (عمومی شدن)
Other-directed	جهت یابی از دیگران
Other-directed Person	شخصی جهت یاب از دیگران
Play Stage	مرحله بازی
Preparatory Stage	مرحله آمادگی (مقدماتی)
Peer Group	گروه همسالان
Reinforcement	تقویت
Role Conflict	ستیز نقشها
Sanctioning	ضمانت اجرائی
Socialization	اجتماعی شدن (جامعه شدری)
Social Role	نقش اجتماعی
Significant Others.	کسانیکه قضاوتشان برای فرد اهمیت دارد

REFERENCES

- Bensman, Joseph and Bernard Rosenberg, "Socialization : Fitting Man to His Society", in Peter Rose, ed., The Study of Society, N.Y. Random House, 1967 .
- Eiken, Frederick, The Child and Society: The Process of Socialization, N.Y. Random House, 1966.
- Mead, Margaret, "Socialization and Enculturation," Current Anthropologist, 1963, Vol. 4, p. 184-188.
- Merton, Robert, Social Theory and Social Structure, Glencoe, Ill., The Free Press, 1957.
- Merton, Robert and Alice Kitt Rossi, "Contributions to, the Theory of Reference Group Behavior," in Herbert Hyman and E. Singer, eds., Readings in Reference Group Theory, N.Y. The Free Press, 1968.
- Olmsted, M. S. The Small Group, N.Y. Random House, 1955.
- Parsons, Talcott, "The American Family", in Talcott Parsons and Robert Bales, eds., Family, Socialization and the Interaction Process, Glencoe, Ill., The Free Press, 1955.
- Pitts, Jesse, "The Family and Peer Groups", Norman W. Bell and Ezra F. Vogel, eds., The Family, N.Y., The Free Press, 1968
- William Thomas Rhys, Introduction to Socialization, St . Louis, Mosby Co., 1972.
- Winch, Robert, The Modern Family, N.Y., Holt, Rinehart , and wiston, 1963.
- Zeldilhh, Morris, "Role Differentiation in the Nuclear Family: A Comparative Study" , in Talcott Parsons and Robert Bales, ed., Family, Socialization and the Interaction Process, Glencoe, Ill, The Free Press, 1955.